

راه و رسم منزل‌ها

مقالاتی در باب و از منظر علوم انسانی

علی پدیا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
موسسه ملی میراث فرهنگی و گردشگری

راه و رسم منزلها

علی پایا

نشر: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

طرح جلد: جر قربانپور / مسانه و مفاصل فرهنگی و اجتماعی

چاپ اول: آبان ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۹۶-۹۴-۳

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شماره ۱۳۴، پلاک ۱۲۴، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷
سایت: www.iscs.ac.ir
پست الکترونیکی: ir@iscs.ac.ir
کلیه آثار این پژوهشگاه در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و فرهنگی، با رعایت حقوق مؤلفان و نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تایید پژوهشگاه نیست.

سرشناسه: پایا، علی، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: راه و رسم منزلها: مقالاتی در باب مفاصل فرهنگی و اجتماعی / علی پایا.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۶۵۳ ص.؛ ۱۴×۲۱×۵/۵ س.م.

شابک: 978-600-6996-94-3: ۳۳۰۰۰۰ ریال

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۴۴ - ۶۵۳

عنوان دیگر: مقالاتی در باب و از منظر علوم انسانی.

موضوع: علوم انسانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Humanities -- Addresses, essays, lectures

شناسه افزوده: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ هر ۲ پ/ ۱۰۲ AZ

رده‌بندی دیویی: ۰۰۱/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۱۲۴۱۰

فهرست

۷	دباجه پژوهشکده
۹	مقدمه

مقاله‌هایی درباره علوم انسانی

۲۷	چگونه می‌توان کارایی علوم انسانی را افزایش داد؟ بحث بر امکان‌پذیری و راهکارهای عملی
۸۹	آینده علوم انسانی در ایران
۱۰۷	بررسی امکان علوم انسانی اسلامی
۱۳۱	موانع رشد علوم انسانی در ایران

گفت‌وگو درباره علوم انسانی

۱۴۷	درباره علوم انسانی (۱)
۱۶۹	درباره علوم انسانی (۲)
۲۰۴	وضع علم و تکنولوژی در غیاب علوم انسانی و اجتماعی
۲۱۹	رنجوری علوم انسانی در ایران
۲۳۷	وظیفه و کارکرد فلسفه در جهان معاصر
۲۵۳	مروری بر ورود فلسفه علم به ایران
۲۸۷	پرسش‌ها درباره کتاب «اسطوره چارچوب»
۳۰۷	نقدی بر نقد: ملاحظات نقادانه بر مقاله «در علمی و تکنولوژیک‌بودن علوم انسانی»
۳۲۱	گفت‌وگو درباره مفهوم اعتدال

مقاله‌هایی از منظر علوم انسانی

۳۴۳	فقیه به‌منزله مهندس: ارزیابی نقادانه از جایگاه معرفت‌شناسانه فقه
-----	--

۶ / راه و رسم منزل‌ها

۳۸۵	ملاحظات در باره جایگاه معرفت‌شناسانه فقه
۳۹۷	رویکرد فرارشته‌ای: ارزیابی نقادانه از منظر اسلامی
۴۴۱	نقادی، آزاداندیشی و رسانه ملی
۴۶۷	نگاهی از منظر فلسفی به مسئله کرامت انسان و ضرورت‌های تحقیقات پزشکی
۵۰۵	درباره موقعیت کنونی فلسفه اسلامی
۵۱۳	فلسفه اسلامی: گذشته، حال و آینده
۵۲۱	ایگاه پژوهش‌های فرهنگی در جامعه مدنی
۵۳۵	حظ‌های انتقادی در زمینه تجربه مدرنیته ایرانی
۵۷۷	جان راولز: نظریه پرداز انصاف و عدالت
۵۸۵	جبرالیم در ترازوی نقد
۶۱۹	یک تفاسیر
۶۴۱	منابع
۶۵۱	نمایه

مقدمه

مقاله‌هایی که در این دفتر گرد هم آورده شده‌اند، جملگی با موضوع «علوم انسانی» ارتباط دارند. جایگاه این علوم در کشور ما، با وجود آشنایی تقریباً یکصد و پنجاه ساله ایرانیان با این رشته‌های مدرن در این قلمرو، همچنان برای بسیاری - حتی اهل نظر - به درستی شناخته نیست.

شماری از سنت‌گرایان، این علوم را بیگانه از فرهنگ و سنت و اندیشه اسلامی به شمار می‌آورند و نشر و ترویج آن‌ها را برای جامعه ایرانی مضر می‌دانند و مقابله با آن‌ها را ضروری و لازم و حتی واجب بر می‌شمارند. گروهی از این شمار برآنند که راه مبارزه با علوم انسانی جدید، برپایه علوم انسانی اسلامی است. صاحب این قلم، دفتر مستقلی از مجموعه مده‌هایی را که این‌گونه در هیئت کتاب انتشار می‌یابند، به بحث تفصیلی درباره پروژه «اسلامی‌سازی علوم» اختصاص داده است. در دفتر کنونی تنها یکی از مقاله‌ها به شکل مستقیم به این موضوع می‌پردازد؛ هرچند گاه در برخی از دیگر مقاله‌های این مجموعه نیز اشاره‌هایی به این پروژه شده است.

تجددگرایان گاه افراطی بر این رأی هستند که هر آنچه در بیرون از مرزهای کشور و با عنوان علوم انسانی تولید می‌شود، باید عیناً به زبان فارسی در اختیار خوانندگان ایرانی قرار داده شود. از دیدگاه این گروه، علوم انسانی همچون دیگر علوم، هویتی عام و فرافرهنگی دارند و میراثی به خلق به همه بشریت به شمار می‌آیند و بنابراین باید بی‌هیچ محدودیتی به خواستاران آن در ایران عرضه شوند.

صاحب این قلم، با دو رویکردی که در بالا بدان‌ها اشاره شد موافق نیست. هرچند بر این نظر است که در هریک بذرها و گرده‌هایی از حقیقت یافته می‌شود. عدم انسانی - به توضیحی که در این دفتر خواهد آمد - در همان حال که عضوی از خانواده کلی علوم هستند، تفاوت‌هایی اساسی با علوم فیزیکی و زیستی دارند. از جمله مهم‌ترین این تفاوت‌ها آن است که این علوم (و نیز علوم اجتماعی) از وجهی علم هستند و از وجهی فناوری. درباره این دو اصطلاح مهم در مقاله‌های بخش نخست این مجموعه به گسترده‌تری توضیح داده شده است و در برخی مقاله‌ها نیز پاره‌ای از این توضیحات مکرر خواهد شد. کنوازیکی بودن دیسیپلین‌های انسانی و اجتماعی موجب شده است برخی از صاحب‌نظران از اصطلاح «تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی» برای برجسته‌سازی این بخش اخیر این دیسیپلین‌ها بهره گیرند. از آنجاکه ایدئولوژی‌ها نیز تکنولوژی‌اند، تکنولوژی‌های انسانی و اجتماعی می‌توانند به منزله ایدئولوژی به کار گرفته شوند و همین امر لزوم بررسی نقادانه دعاوی را که در حوزه علوم و تکنولوژی‌های انسانی مطرح می‌شوند، دوچندان می‌کند. به این اعتبار ترجمه مستقیم بسیاری از موضوعاتی که در حوزه علوم انسانی در بیرون از ایران مطرح می‌شود، بدون تأمل نقادانه در آن‌ها می‌تواند حوزه فرهنگی

و آکادمیک کشور را به عرصه‌ای برای طرح «مدهای فکری» بدل سازد. مدهایی که پس از مدتی در خود کشورهای مولد آن‌ها از رونق می‌افتند اما پیامدهای نامطلوب اخذ و اقتباس غیرنقادانه آن‌ها تا سالیان سال در این مرزوبوم بر جای خواهد ماند.

با توجه به آنچه گفته شد، پیام اصلی اثر حاضر، تقویت هاضمه عقلا و نقادی در میان شهروندان ایرانی است. علوم انسانی که به یک معنای دقیق «انسان‌ساز» به شمار می‌آیند، در صورتی در هدف خود موفق می‌شوند که خوانند، مخاطبان و حاملانی عقل‌گرا و نقاد تربیت کنند. صاحب این قلم اصرار است آنچه در این مجموعه جمع‌آوری شده است، گامی باشد در مسیر «زیایی» هدف مورد اشاره.

در مجموعه حاضر، ۲۳ مقاله از آثار نگارنده بازنشر شده‌اند. این مقاله‌ها زیر سه عنوان کلی جای گرفته‌اند: «مقاله‌هایی درباره علوم انسانی»، «گفت‌وگوهای درباره علوم انسانی» و «مقاله‌هایی از منظر علوم انسانی».

مقاله «چگونه می‌توان کارایی علوم انسانی را ارزیابی داد؟ بحثی در امکان‌پذیری و راهکارهای عملی»، دو مسئله اساسی در ارتباط با علوم انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نخست ارزیابی امکان ارتقای کارایی این علوم و دوم، در صورت یافتن پاسخی مثبت برای پرسش نخستین، کاوش در راه‌های عملی ازدیاد بازده علوم انسانی. از آنجاکه درباره ارزیابی علوم انسانی و ظرفیت‌ها و اهداف آن دیدگاه‌های متنوعی در میان صاحب‌نظران وجود دارد، در بخش نخست مقاله به ارزیابی نقادانه برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته شده است. در بخش دوم شماری از شیوه‌های پیشنهادی برای بهبود بخشی به قابلیت‌های علوم انسانی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در بخش سوم مدل مختار نگارنده برای پژوهش در حوزه علوم

انسانی معرفی شده است. در بخش چهارم با بهره‌گیری از مباحث مطرح‌شده، مسئله امکان ارتقای کارایی علوم انسانی مورد ارزیابی نقادانه قرار گرفته و در آخرین بخش مقاله بحثی دربارهٔ ارائه راهکارهای عملی برای بهبود بخشی کیفیت علوم انسانی در کشور ارائه شده است.

«آینده علوم انسانی در ایران» موضوع مورد بحث دومین مقاله بخش نخست است. در این مقاله پس از اشاره کوتاهی به اهمیت مطالعات آینده‌انگیز و پیچیدگی انجام این مطالعات و میزان اعتبار نتایج آن‌ها، به این پرسش پرداخته می‌شود که راز اهمیت علوم انسانی در مقایسه با دیگر علوم در چیست. در مباحث پاسخی که برای این پرسش اساسی ارائه شده است، برخی آموزه‌ها به‌خوبی زمینه‌سازی برای ایجاد صورت مطلوبی از علوم انسانی پیشنهاد شده است.

مقاله «بررسی امکان علوم انسانی اسلامی» که سومین مقاله بخش نخست است می‌کوشد با متمایز کردن دو جنبه علمی و تکنولوژیک علوم انسانی نشان دهد علوم انسانی از جنبه عام آن در مورد مسلمانان و غیرمسلمانان یکسان است؛ درحالی‌که از حیث تکنولوژیک می‌توان (با لحاظ شرایطی که در مقاله توضیح داده می‌شود) از تکنولوژی مناسب مسلمانان (در حوزه علوم انسانی) سخن گفت. آموزه‌ای که مقاله با تکیه بر آن تحریر شده است ناظر به این استدلال است که علم و تکنولوژی باوجود ارتباط تنگاتنگی که به‌خصوص در اشکال مدرن خود با یکدیگر دارند، واجد تفاوت‌های اساسی هستند. این تفاوت‌ها موجب می‌شود بتوان (تحت شرایطی خاص) از تکنولوژی‌های بومی یا دینی سخن گفت؛ حال آنکه در مورد علوم، افزودن صفاتی نظیر بومی یا دینی، بی‌وجه خواهد بود.

«موانع رشد علوم انسانی در ایران» که آخرین مقاله بخش نخست است

در قالب یک سخنرانی در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ارائه شده است. آنچه در این مجلد آمده، متن ویرایش‌شده آن سخنرانی است. موضوع مقاله چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، شماری از عوامل رشدنایافتگی علوم انسانی در ایران است. از جمله عوامل مورد اشاره در این گفتار می‌توان به نبود ارتباط بین علوم انسانی و علوم طبیعی، ناآشنایی با معنای مرتبه دوم و بالاتر، مشکل ترجمه و مدهای فکری اشاره کرد. در مقاله حاضر بر ضرورت ایجاد زیست‌بوم عقلانیت، ترویج رویکرد نقادانه، تعویق نهادی دموکراتیک و نهادهای پشتیبان آزادی و نیز تعامل سازنده با دنیا در عرصه‌های نظری به‌عنوان شماری از راهکارها برای مواجهه با عقب‌ماندگی علوم انسانی در ایران تأکید شده است.

بخش دوم با عنوان «مفت‌وخوشی درباره علوم انسانی» چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، دربردارنده شماری گفت‌وگوی مکتوب با برخی نشریه‌ها پیرامون مسائل مربوط به علوم انسانی است. برخی از این گفت‌وگوها به بهانه انتشار کتاب‌هایی بوده که به وسیله صاحب این قلم تألیف یا ترجمه شده‌اند. گفت‌وگوهای دیگر ناظر است به مسائل عام‌تر در قلمرو علوم انسانی. نخستین مقاله این بخش دربردارنده پاسخ‌هایی است که نگارنده به پرسش‌های آقای دکتر مسعود معینی‌پور سردبیر *محتجم فصلنامه صدا* درباره علوم انسانی ارائه کرده است. قرار بود این پرسش با شماری از صاحب‌نظران در میان‌گذارده شود و دیدگاه‌های آنان در *فصلنامه صدا* انتشار یابد. نگارنده از سرنوشت این نظرخواهی اطلاعی ندارد.

گفت‌وگو با *فصلنامه عصراندیشه* که بیشتر ناظر بر علل گرایش فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی به علوم انسانی بود، دومین مقاله بخش دوم کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. پاسخ‌های صاحب این قلم به برخی

پرسش‌های مطرح‌شده در این گفت‌وگو ناظر به تجربه‌های شخصی خود وی، به‌عنوان یکی از همان فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی بوده است که به قلمرو علوم انسانی کوچ کرده‌اند. پرسش‌های این گفت‌وگو از طریق آقای مهندس مجید اسدپور با نگارنده در میان گذاشته شد.

دو مقاله بعدی در این بخش با عناوین «وضع علم و تکنولوژی در غاب علوم انسانی و اجتماعی» و «رنجوری علوم انسانی» محصول دو گفت‌وگو با کاتب با نشریه فرهنگ امروز و روزنامه شرق است.

پنجمین مقاله بخش دوم، گفت‌وگویی است درباره کتاب اسطوره چارچوب: در دفاع از علم و عقلانیت که نخستین بار در روزنامه اعتماد ملی انتشار یافت. مقاله ششم محصول گفت‌وگویی است که آقای سوگند علی‌خواه درباره فلسفه در ایران معاصر با نگارنده به انجام رساند. از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده به پرسشگر محترم این نکته بود که با توجه به برآمد رسانه‌های جدید و جامه‌های مجازی‌ای چون فیسبوک و توئیט، فلسفیدن چه کارکرد و وظیفه‌ای دارد. متن این گفت‌وگو در سایت رادیو فردا انتشار یافت.

مقاله «مروری به ورود فلسفه علم به ایران» محصول گفت‌وگویی با نشریه فرهنگ امروز است. این مقاله در بردارنده پاسخ به شمار قابل ملاحظه‌ای از پرسش‌های بسیار مهم در ارتباط با جایگاه فلسفه علم در ایران به‌صورت خاص و موقعیت علوم انسانی در کشور به‌طور کلی است؛ از جمله آنکه: «برخی از مهم‌ترین جریان‌های موجود در فلسفه علم (در قرن بیستم) در واکنش به پوزیتیویسم منطقی قوام یافتند درحالی‌که در ایران ادبیات مربوط به پوزیتیویسم منطقی چندان گسترده و قوام‌یافته نبود. آیا فقدان چنین بستری خدشه‌ای در نحوه معرفی این رشته به ایرانیان

ایجاد نکرد و آیا در ایران عملاً با پرسش‌هایی برای مسائل ناموجود مواجهیم یا اینکه چنین شاکله‌هایی برای بررسی مسائل خاص و مربوط ما بازسازی و دچار دگر دیسی شدند؟» و یا «در ایران با دو موج معرفتی فیلسوفان علم روبه‌رو بوده‌ایم. در موج نخست عقلانیت انتقادی برجستگی فراوانی دارد اما در موج دوم نگاه تاریخی - ضد عقلی بارز می‌شود. این چرخش تاریخی در بستر اجتماعی - معرفتی ایران چه معنایی دارد؟»

مقاله «نقدی بر نقد: ملاحظاتی نقادانه بر مقاله در علمی و تکنولوژیک‌بون علوم انسانی» که نهمین مقاله بخش دوم را تشکیل می‌دهد، محصول گفت‌وگو غیرمستقیم میان نگارنده و حجت‌الاسلام دکتر خسروپناه است. ایشان در یک سخنرانی درباره علم اسلامی، ضمن ارزیابی آرای برخی صاحب‌نظرانی که در این زمینه قلم زده‌اند، دیدگاه‌های نگارنده را بر اساس آنچه در مفاد این عنوان «ملاحظاتی نقادانه درباره علم دینی و علم اسلامی» درج شده است، مورد نقادی قرار داده‌اند. ناقد محترم به اقتضای اخلاق علمی، نسخه‌ای کتوب از بخشی از سخنرانی را که به نقد آرای صاحب این قلم ارتداد داشت، برای وی ارسال کرد و بدین وسیله باب گفت‌وگویی علمی را گشود. نگارنده در پاسخ خود به نقدهای حجت‌الاسلام دکتر خسروپناه که در در ماه نامه گفتمان الگو انتشار یافت، ابتدا خلاصه جامعی از انتقادهای ایشان را ارائه داده و سپس به ارزیابی آن‌ها پرداخته است.

آخرین مقاله بخش دوم در بردارنده گفت‌وگویی است که به همت آقای اصغر زارع کهنمویی و خبرگزاری دانا با صاحب این قلم درباره مفهوم «اعتدال» از منظر فلسفی صورت گرفت. پرسشگر محترم با تأکید بر این نکته که اعتدال نظیر برخی دیگر از مفاهیم در ادبیات سیاسی و

اجتماعی ما بسیار مبهم است؛ تا آنجا که همه حتی افراطی‌ترین‌ها نیز مدعی مشی اعتدال هستند، از چپستی این مفهوم و حاملان واقعی آن پرسش به میان آورد و دامنه گفت‌وگو را به بحث از موضوعاتی نظیر مرز میان «اعتدال و افراط» و «اعتدال و محافظه‌کاری»، و چرایی ظهور افراط و فریط در جامعه ایرانی به درجاتی بیشتر از رویکردهای مبتنی بر اعتدال، بسط داد. از جمله دیگر پرسش‌های مطرح‌شده در گفت‌وگو، فهم اندیشوران مسلمان در تاریخ فکر اسلامی از مفهوم اعتدال و نیز دیدگاه فیلسوفان عربی در این زمینه بود. از آنجا که گفت‌وگو مقارن با روی کارآمد دولت «اعتدال و امید» سامان یافته بود، پرسش‌هایی نیز در این زمینه مطرح شد که تبیین معتدل چگونه کابینه‌ای است و در عرصه سیاست که معمولاً عرصه افراط و تفريط‌ها بوده، چگونه عمل خواهد کرد؟. نگارنده در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در این گفت‌وگو کوشیده است با ابتدا بر توضیحی که راجعاً اسکرینون فیلسوف سیاسی معاصر در انگلستان درباره مفهوم اعتدال ارائه کرده است، به تبیین مؤلفه‌های مختلف آن پردازد و ضمن اشاره به دیدگاه متفکران مسلمان، رابطه وثیق میان اعتدال و عقلانیت را برجسته سازد.

بخش سوم مجموعه حاضر با عنوان «مقاله‌هایی از دفتر علوم انسانی»، بیشترین حجم تألیف حاضر را به خود اختصاص داده است. دو مقاله نخست این بخش با عناوین «فقیه به منزله مهندس: ارزیابی نقادانه جایگاه معرفت‌شناسانه فقه»، و «ملاحظات درباره جایگاه معرفت‌شناسانه فقه»، همان‌گونه که از عناوین‌شان برمی‌آید، با نیست‌روشنگری درباره جایگاه معرفت‌شناسانه دیسپلین فقه تحریر شده‌اند. استدلال دو مقاله آن است که دیسپلین فقه در زمره تکنولوژی‌ها جای دارد و هدف آن دستیابی به

معرفتی درباره واقعیت نیست بلکه حل مسائل عملی در ارتباط با نیازهای شرعی مؤمنان است. مقاله نخست در فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، و دومی در فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی انتشار یافته‌اند.

مقاله «رویکرد فرارشته‌ای: ارزیابی نقادانه از یک منظر اسلامی» که به همت آتی دکتر رضا علیزاده مقانی به فارسی ترجمه شده است نخستین ر در فصلنامه امریکایی مطالعات جامعه‌شناسی اسلامی منتشر شد. هدف مقاله نقد نگاه‌های شماری از دست‌اندرکاران علوم انسانی در مغرب‌زمین است که مدعی‌اند رویکرد موسوم به «فرارشته‌ای»، یک روش‌شناسی و پارادایم تازه معرفتی است. استدلال نگارنده آن است که این رویکرد، نه یک روش‌شناسی بلکه یک روش فراگیر است. مقاله بیشتر به نقد دیدگاه‌های بسارَب نیکو کر که یکی از پرنویس‌ترین مدافعان جایگاه رویکرد فرارشته‌ای در مقام یک پارادایم تازه معرفتی است، اختصاص دارد. در بخش آخر مقاله، چند نمونه از زیست‌بوم فکری فرهنگ اسلامی که می‌توان آن‌ها را نمونه‌های اول (منجمله غیرکامل) این رویکرد (در مقام یک روش) به شمار آورد، به اختصار معرفی می‌شوند. نتیجه‌ای که مقاله ارائه می‌دهد آن است که رویکرد فرارشته‌ای را می‌توان به شیوه مؤثری به کار بست؛ به شرط آنکه کاربران آن، چهارچوب فلسفی مناسبی را اتخاذ کنند. چهارچوب پیشنهادی نگارنده، عقلانیت نقاد است که درباره آن توضیحاتی در مقاله آمده است.

«نقادی، آزاداندیشی و رسانه ملی: اهمیت اتخاذ رویکرد نقادانه و آزاداندیشانه در اطلاع‌رسانی رسانه‌ای» که ابتدا در قالب یک سخنرانی در

سومین همایش رسانه و اقتصاد، در سال ۱۳۸۷ ارائه شد، به این نکته اشاره می‌کند که تحولات چشمگیر در تکنولوژی‌های مربوط به تولید، انتقال و ارائه اطلاعات که با خود «انقلاب اطلاعات» را به همراه آورده‌اند، اکنون به چنان ترازى از پیچیدگی رسیده‌اند که جوامع بشری را با پدیده‌ای راجع ساخته‌اند که از آن با عنوان «اشباع و سرریز اطلاعات»^۱ یاد می‌شود. متوجه بر این نکته تأکید می‌ورزد که در فضایی که سیلاب اطلاعات متنوع، ایجاد بی‌تفاوتی و حتی رمیدگی و وازدگی نسبت به اطلاعات را در گی‌ندگان و مخاطبان نهایی، به خطری جدی و واقعی تبدیل کرده است، مسرعات رسانه‌هایی که به قصد روشنگری و کمک به مخاطبان در دستیابی به اطلاعات معتبر وارد صحنه شده‌اند، به مراتب سنگین‌تر از گذشته شده است. مقاله در سال‌ها پیش از رشد چشمگیر روند موسوم به ورود به دوران «مابعدحقیقت»^۲ خیر شده است، به موضوعاتی می‌پردازد که در زمانه کنونی و در رقابت میان شبکه‌های اجتماعی و نهادهای رسمی خبررسانی، حائز اهمیت بسیار است. البته به نکات مورد توجه مقاله آن است که در رقابت میان رسانه‌های مختلف برای جلب نظر مخاطبان، صرف‌نظر از ظرفیت‌ها و ظرافت‌های تکنیکی، نسبت به سهولت در انتقال پیام و دسترسی به آن و نیز ملاحظات زیباشناسانه در نحوه بسته‌بندی و ارائه و نمایش پیام، مهم‌ترین عاملی که به ازدیاد تولیدات خبرگزاری پیام بر مخاطبان کمک می‌کند، محتوای نقادانه آن است. در مقاله به تفصیل درباره ظرفیت‌های معنایی مفهوم رویکرد «نقادانه» و ارتباط آن با مفهوم «آزاداندیشی» توضیح داده شده است. از آنجاکه موضوع همایش با مباحث اقتصادی نیز مرتبط بود، کوشش شده است در بسط استدلال‌های مقاله به

نمونه‌هایی از حوزه اقتصاد نیز اشاره شود. نکته نهایی مورد تأکید مقاله آن است که در غیاب اتخاذ رویکردی نقادانه و برگرفته از آزاداندیشی، رسانه ملی در عرصه بسیار دشوار رقابت تنگاتنگ و فشرده با انواع رسانه‌های محلی و بین‌المللی، به بازیگری فرعی بدل خواهد شد و میزان تأثیرگذاری آن به تراز پایینی، فروکاسته خواهد یافت.

پنجمین مقاله بخش سوم از مجموعه کنونی با عنوان «نگاهی از منظر فلسفی به مسئله کرامت انسان و ضرورت‌های تحقیقات پزشکی»، نخستین بار در مجله حقوق و تاریخ پزشکی ایران منتشر شد. درباره جنبه‌های نظری بحث کرامت انسانی و ابعاد گوناگون شبکه معنایی آن و به‌خصوص آنچه به اصول اخلاقی در این زمینه مربوط می‌شود، نکات زیادی از سوی فلاسفه اخلاق و دست‌اندرکاران اخلاق پزشکی مطرح شده است. نگاهی به آثار انتشار یافته در این زمینه آشکار می‌سازد بسیاری از نویسندگانی که در این قلمرو به اظهار نظر پرداخته‌اند، بیشتر از منظر متعارف استدلال‌های فلسفی که بر بنیاد حقوق و عالت استوار هستند و یا استدلال‌های کلامی متکی به آموزه‌های دینی و با استنادات متکی به اصالت مصداق^۱ یا پراگماتیسم، بحث درباره مسئله حرمت و کرامت اشخاص را پیش برده‌اند. در مقاله حاضر کوشش شده است با استفاده از دیدگاه‌های برخی فیلسوفان تحلیلی معاصر از منظری تازه و ناسازگارانه مسئله نظر شود. استدلال اصلی مقاله بر مفهوم محوری «ارزش حیات» استوار است. همه کسانی که درباره تحقیقات در حوزه سلول‌های بنیادی و مسئله مجاز بودن یا نبود جواز اخلاقی برای پژوهش در مورد رویان‌های اولیه، موضعی در پیش می‌گیرند و یا کسانی که در زمینه اخلاقی بودن یا

نبودن سقط جنین اظهار نظر می‌کنند و یا آنان که می‌کوشند برای مسئله دشوار نحوه تخصیص منابع محدود درمانی راه‌حل مناسبی پیشنهاد دهند، دست‌کم به نحو شهودی باور دارند حیات ارگانیزم انسانی - در هر شکلی که به خود بگیرد - دارای ارزش ذاتی است؛ ولو آنکه این ارگانیزم در حالت کاملاً تحول‌نیافته و در مرحله تخمک تازه لقاح‌یافته و یا رویانی باشد که آماده‌ی جای‌گذاری در رحم است و یا جنینی که سیستم مغز و استخوانش شکل گرفته و یا انسان بالغی که در حیات اجتماعی خود دچار سقوط اخلاقی شده است. این اندیشه که برخی چیزها یا رویدادها به‌خودی‌خود ارزشمندند (ما به آن‌ها برای خودشان احترام می‌گذاریم نه از این بابت که به تلافی یا پاداش ما خدمت می‌کنند) بخش آشنایی از تجربه‌های ماست. چنین باوری به تدریج از طریق تجربه‌های مستمر ما در زیست‌محیط، برایمان حالت «سری» پیدا کرده است. حال اگر با نظر ثانوی و از روی رویت در این باور شهودی دقیق شویم، به جنبه‌های تازه‌ای از معانی پنهان آن پی می‌بریم. معنای تازه به این نکته توجه می‌کنیم که از باور «ارزش‌داشتن حیات انسانی به نحو ذاتی» نمی‌توان چنین نتیجه گرفت که باید تا آنجا که ممکن است حیات انسانی را تکثیر کرد. درست به عکس، شهود دیگری از مجموعه شده‌ی ما، به ما می‌گوید دست‌کم در برخی از نقاط جهان بهتر است شمار کمتری افراد زندگی کنند نه شمار بیشتری. به این ترتیب این پرسش مطرح می‌شود که اگر ارزش ذاتی داشتن حیات انسانی لزوماً به معنی شایستگی تکثیر آن نیست در این صورت چگونه ممکن است این نکته واجد ارزش و اهمیت ذاتی باشد که حیات آدمی - همین که ظاهر شد - ادامه پیدا کند؟ مقاله می‌کوشد با تکیه بر ابزار فلسفه تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که

چگونه می‌توان میان دو مفهوم به‌ظاهر متعارض «ارزش ذاتی حیات» و «اخلاقی بودن قربانی کردن حیات تحت شرایط خاص» آشتی برقرار کرد. مقاله‌های ششم و هفتم بخش سوم به بحث مختصری دربارهٔ گذشته، حال و آیندهٔ فلسفه اسلامی اختصاص دارند. هر دو مقاله متکی به سخنرانی صاحب این قلم دربارهٔ همین موضوع در انجمن سلطنتی فلسفه در انگلستان در سال ۲۰۱۱ است. مقالهٔ انگلیسی آن سخنرانی در ارگان رسمی انجمن منتشر شده است.^۱ مقاله ششم در پاسخ به نظرخواهی روزنامه بهار در سالنامه ۱۳۹۲ آن روزنامه و به همت دبیر سرویس اندیشه، آقای علی بزرگیان تحریر شد. مقاله هفتم خلاصه فارسی فشرده‌ای از مقدمه و نیز بخش آخر مقالهٔ مبسوط انگلیسی است که در انجمن سلطنتی فلسفه ارائه شد. این متن خلاصه به همت آرمین منعم غفوری دبیر بخش فلسفه نشریه فرهنگ امروز و همکاران ایشان ترجمه شده است. خلاصهٔ استدلال اصلی نگارنده در مقاله‌ای که در نشریه فلسفه و فلسفه سلطنتی منتشر شد آن بود که فلسفه اسلامی تا زمانی که به گفت‌وگو و گوربدستان نقادانه و به دور از محدودیت با دیگر فرهنگ‌ها سرگرم بود و تا آن حدی که فیلسوفان مسلمان، دانشمند - فیلسوف به شمار می‌آمدند و میان بافرنگ و فیزیک (در معنای گستردهٔ هر دو کلمه) جمع کرده بودند، از زاینده‌نوی توانایی برای حل مسائل واقعی در قلمروهای متنوعی که به شناخت هر یک از جنبه‌های نامتعیین واقعیت کمک می‌کند، برخوردار بودند، اما از زمانی که باب این گفت‌وگو با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و مکتب‌ها بسته شد و ضرورت تسلط بر آموزه‌های علمی از یادهای رفت، از زاینده‌نوی فلسفه اسلامی و توانایی آن برای حل مسائل تا اندازهٔ زیادی کاسته شد.

1. "Islamic Philosophy: Past, present, and Future", Philosophical Traditions, Royal Institute of Philosophy, 2014, pp. 265-321.